

ادیان چینی

دکتر منوچهر خداپاژ محبی
عضو مجمع بین‌المللی تاریخ ادیان

مقدمه :

زندگی دینی در چین با « آئین قدیم چین » Sinisme آغاز میگردد . این دین بدوی بیکی از اشکال «جان دینی» بسیار شباهت دارد که مخصوص چین میباشد و پایه و اساس «دین کنفوسیوس» بشمار میرود .

در نتیجه تحولات و اصلاحاتی که در «آئین قدیم چین» بعمل آمد «دین کنفوسیوس» ظاهر گردید و عقاید بدوی را بشکل نوین و صورتی تازه تر جلوه گر ساخت و افکار قدیم را در لباس جدید در معرض افکار مردم چین قرارداد .

دیگر «دین لائوتزه» Lao-Tseu «یا» کیش تائو Taoisme میباشد که از نظر اصول با برخی از مقاصد ادیان فوق مغایرت دارد ولی چون محصول افکار مردم چین است با «تباری چند با عقاید قدیم و افکار کنفوسیوس بستگی دارد .

برای تحقیق در ادیان چین بهترین کتب بشرح زیر است :

- ۱ - سه جلد کتاب «مارسل گرانت» تحت عنوان : «دین چینی» و «تمدن چینی» و «افکار چینی» بترتیب چاپ سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۹-۱۹۳۴ میلادی؛
- ۲ - ماسن اورسل در اثر خود «فلسفه شرق» ۳ و «کوشود» در کتاب «خردمندان و شمرای آسیا» ۴ درباره عقاید و افکار چینیان مباحث فراوان دارد .

-
- 1 - Granet (marcel) : La Religion des Chinois, Paris, 1922
: La civilisation Chinoise, Paris, 1929
: La Pensée Chinoise, Paris, 1934
 - 2 - Masson-oursel : La Philosophie en orient
 - 3 - Couchoud, P.-L. : Sages et Poètes d'Asie, Paris, 1916

۳- کتاب «چین و چینیان» تألیف «لین یوتانگ» ۱ و کتاب «طریقه و تقوی» نگارش «لاوتزه» که «ستانیسلاس ژولین» در ۱۸۴۲ آنرا بزبان فرانسوی ترجمه کرد ۴ از نظر اینکه آنرا دو نفر چینی نوشته اند اهمیت بسیار دارد.

۴- کتاب «عقاید کنفوسیوس» که در قرن نوزدهم «پوتیه» آنرا بزبان فرانسوی ترجمه کرد ۳

فصل اول

گیش باستانی چین

متون مقدس گیش باستانی چین را میتوان از پنج کتاب تحت عنوان «کینگ» Les King بدست آورد. بخش های بسیار قدیمی این کتاب مربوط به قرن ششم پیش از میلاد و قبل از ظهور کنفوسیوس میباشد. کنفوسیوس و جانشینان در آن تغییراتی دادند و اصلاحاتی بعمل آوردند.

این گیش باستانی را میتوان نوعی «جان دینی» نامید زیرا اصول آن ارواح را در زندگانی انسان دخالت میدهد. در ردیف اول ارواح اجداد قرار دارد که قدیمی ترین مراسم و آداب مردم چین را تشکیل میدهد.

تا مدتی دانشمندان گمان میکردند نیاکان مقدس اولیه اجداد پدری بودند ولی اکنون معتقدند در قدیمی ترین جامعه چین متعلق به پیش از یک هزار سال قبل از میلاد مراسم ابتدائی به نیاکان مادری تعلق داشت. در این صورت بافندگان ارزش اجتماعی مهمی داشتند. خانه بز تعلق داشت. شوهر قبل از هر چیز داماد خانواده بشمار میرفت، فقط ارواح نیاکان مادری میتوانند دوباره در نوزادان حلول کرده و بشکل انسان در آیند.

سپس آهنگران بر بافندگان برتری یافتند. مردان بر زنان غالب شدند و مراسم دینی به نیاکان پدری تعلق یافت ۴

آداب دینی این است که آثار نیاکان را که در روی الواح ممبر اجداد قرار دارد، تذکر دهند و خاطرات آنانرا تجدید کنند. در حالات سخت و دشوار از آنان کمک بخواهند. در مجالس و محافل سروایشانرا بیاد آورند و پیرترین فرد خانواده هدیه و پیشکش تقدیم دارد. این دین مردان روحانی ندارد و دارای تشریفات خارج از خانواده نیست نیاکان زندگان را رهبری و هدایت میکند. در مقابل اعمالی که زندگان انجام میدهند، اجداد

1 - Lin-yu-Tang : La chine et les chinoise, Paris, 1937

2 - Doctrine de Confucius, traduction Pauthier, Paris

3 - Le livre de la voie et de la vertu, de lao-tseu, traduction stanislas julien, Paris, 1842

4 - Granet : La civilisation chinoise.

آنانرا شرافت ممنوی میبخشند. در دین باستانی چین عقیده بارواح زمین وآبها و کوهها و جنگلها موجود است.

در عصر قدیم که زنان بر مردان برتری داشتند و در مراسم دینی «نیاکان مادری» سهیم بودند، «مادر زمین» را مقدس میدانستند. خانه بز ن تعلق داشت. در همان خانه روی زمین یا حصیری زن بامرد مقاربت میکرد «مادر زمین» او را آستن میکرد و بارور میساخت، در همین هنگام، نیاکان مادری تجسم یافته و در جنین حلول میکردند.

در مکانهای مقدس «اعیاد جوانی» برپا میکردند و جوانانرا برای ازدواج آماده میساختند. در بهار پس از انجام کار زمستان «عصر نامزدی» بشمار میرفت. دختران جوان در معرض تمایلات دختران قرار میگرفتند. در پائیز پس از کار تابستان پسران را در معرض تمایلات دختران قرار میدادند. باین وسیله جوانان همسران خودرا انتخاب میکردند و در زندگی جدید وارد میشدند ۱

چون پرستش «آسمان» که «نر» بود توسعه یافت، زمین که «ماده» بود ارزش قدیم را از دست داد.

پادشاه مراسم باستانی را در معبد آسمان انجام میداد. خود را «پسر آسمان» میدانست سلطنترا حقوق الهی میشمرد و ترتیب نظم و نسق جهان را بعهده داشت ۲ در بعضی کتب از «شانگ تی Chang-ti» ملکوت آسمان و حاکم جهان سخن در میان است در برخی کتب خدای شخصی و انحصاری برقرار است. گرانیت مینویسد: این خدا فایده ای ندارد جز اینکه عنوان «پسر آسمان» را پادشاه تخصیص دهد.

از نظر علم افسانه شناسی سیاسی خدای متعال چیزی جز وجودی ظاهری و لفظی نیست ۳ بدون دخالت خدا ارواح کار خودرا انجام میدهند. نیکوکاران را پادشاه میدهد. بدکاران را مجازات مینماید. اگر پادشاه آداب دینی را نیکو انجام دهد محصولات طبیعی فراوان میگردد اگر دولت وظیفه خودرا بدانجام دهد در طبیعت بی نظمی بوجود میآید. نوامیس طبیعی با قوانین اخلاقی و اجتماعی ترکیب میشود و اساس انتظام طبیعی و اجتماعی را فراهم میسازد ۴

بنا بر روایت باستانی «ووی wv yi» یکی از خاقانهای دودمان شانگ Shang خدا ناشناس بود. باخدایان در افتاد بروح عالم بالا ناسزا گفت و با او بیازی شطرنج پرداخت باین ترتیب که فرمان داد یکی از درباریان بجای روح عالم بالا باوی شطرنج بازد، و چون بر درباری پیروز شده بروح عالم بالا ابریشخند گرفت: انبانی چرمی را که باواهدا کرده بود

- | | |
|---|------------------|
| 1 - Granet : La civilisation chinoise, | صفحه ۱۹۱-۲۰۳-۲۱۰ |
| Masson - oursel : La philosophie en orient, | صفحه ۱۲۶ |
| 2 - Masson - oursel : La philosophie en orient, | صفحه ۱۲۸ |
| 3 - Granet : La pensée chinoise, | صفحه ۵۸۶ |
| 4 - Masson - oursel : La philosophie en orient, | صفحه ۱۳۰ |

از خون انباشت و برای سرگرمی آنرا آماج تیر خود قرار داد . تاریخ گزارانی که تاریخ پرهیزگار ترند روایت میکنند که ساقه‌یی «وویی» را بهلاکت رسانید
 درجهان اصلی کلی و مسئول و مؤثر بر قرار است که آنرا «تائو tao» مینامند. تائو وجه کلی را بیان میدارد که به تجمع و اتحاد حقایق جهان تعبیر میگردد
 گرانت در کتاب خود «تائو» را با «مانا» تشبیه و تبیین میکند
 با وجود اینکه درجهان «وحدت کلی» تمام موجودات را بیکدیگر نزدیک میسازد طرز تفکر چینی دواصل جدا از یکدیگر نیز برقرار میسازد . «یانگ yang» اصل نرین و «یین yin» اصل مادین است تفاوت آن در اوضاع اجتماعی تضاد اجناس و اتحاد نرو ماده است . چون یانگ و یین درهم آمیزند موجودات ظاهر میگردد . این تفاوت منحصر بانسان در زندگانی نیست ، بلکه شامل کلیه طبایع جهان میگردد . شکل خارجی اشیاء و گرما و خورشید و تابستان «یانگ» است . شکل داخلی اشیاء و سرما و رطوبت و سایه و زمستان «یین» را تشکیل میدهد . چون دواصل نرو ماده یعنی یانگ و یین متحد گردد ، تنظیم و ترتیب درجهان بوجود میآید و اصل سوم بنام «تائو» ظاهر میگردد .

درچین اثر مهم در فلسفه اولی «ای چینگ I-ching» یا «کتاب تحولات» است
 روایت کرده اند که این سند عجیب که بمنزله آغاز تاریخ فکر چین است در زندان بوسیله وان وانگ wen wang ، که یکی از بنیادگذاران دودمان «چو» میباشد نگاشته و در نوشتن آن از افکار خاقانی افسانه‌یی بنام « فوشی fu-hsi » استفاده شده است . گویند «فوشی» هشت «کوا koa» یا سه خطی» مرموز ابلاغ کرد . این سه خطی ها که در فلسفه اولی چین همان نوامیس و عناصر طبیعت میباشد ، هر یک شامل سه خط است و این خطوط یا پیوسته است و نماینده یانگ یا اصل «نرین» یا شکسته است و نماینده یین و یا «اصل مادین» . در این دوگانگی منوی ، یانگ همچنین نماینده اصل فلکی مثبت و فعال و مولد نورو گرمی و زندگانی است ، و یین نمودار اصل منفی و منفعل و مظهر ظلمت و سردی و مرگ شمرده میشود . «ون وانگ» خطوط را دوبرابر کرد و ترکیبات خطوط و شکسته را بشصت و چهار رسانید ، و باین شیوه

1 - Durant, will : The story of civilization, new york

1954 صفحه ۶۴۴

2 - Granet : La pensée chinoise, صفحه ۳۰۰

3 - « : « « « صفحه ۳۰۱

4 - « : « « « صفحه ۱۱۵

5 - Fenollosa : Epochs of chines and japanes arts

new - york 1927 رجوع شود به صفحه چهارده

Hirth, friedrich : Ancient history of china, صفحه ۶۲

نام خود را جاویدان ساخت و سرچینیان را بدو ارنداخت . هر يك از این خطوط با یکی از قوانین طبیعت مطابقت دارد . همه تحولات تاریخ و علوم زاده تغییرات و تأثیرات متقابل این ترکیبات است دانش سراسر در شصت و چهار «شیانگ shiang» یا «مثال» هایی که بوسیله «سه خطی» ها ، ممثل میشوند ، مکتوم است . واقعیت را سراسر میتوان متقابل و اتحاد عناصر دو گانه گیتی - اصل نرین و اصل مادین یا ننگه وین - ساده و خلاصه کرد .

چینیان «کتاب تحولات» را وسیله غیبگوئی و مهمترین اثر عمیق خود میدانستند . بر آن بودند که اگر کسی این تراکیب را دریابد بر همه قوانین طبیعت دست خواهد یافت کنفوسیوس این کتاب را منظم و مدون کرد و آنرا با تفاسیر خود بیاراست ، و برترین کتاب شمرد . وی آرزو داشت که پنجاه سال فراغت یابد تا در این کتاب تأمل کند (دنباله دارد)

1 - Hushih : Development of the logical method

In ancient china,

شانگه های ۱۹۲۲

Suzuki : Brief history of early Chines philosophy.

لندن ۱۹۱۴ صفحه ۱۴

شمع
صاعقه



مشفق
کاشانی

زمانه عرصه جولان مرد باید و نیست
 طبیب هست و دوا هست ، درد باید و نیست
 غبار حادثه افشانند سایه بر سر دشت
 پدید نقش سواری ز گرد باید و نیست
 حیات بخش و امید آفرین به پهنه‌ی چرخ
 چو آفتاب ، یکی رهنورد باید و نیست
 بتازیانه‌ی این رهرو سپید و سیاه
 کبود روز و شبم چهر زرد باید و نیست
 مرا بسیر گلستان عمر در همه عمر
 دلی چو باد صبا هرزه گرد باید و نیست
 خلیده خار ندامت بدل نباید و هست
 شکفته در چمن عشق ورد باید و نیست
 چو شمع صاعقه در بزم شب گرفتم پای
 دمی چو باد سحرگاه سرد باید و نیست
 شرار آتش آهم چو شعله‌ی خورشید
 بدامن فلك لاجورد باید و نیست